

آبیاری زمان با آسیاب‌های بادی کیندر دایک

«هلند رانمی توان بدون آسیاب‌های بادی اش ترسیم کرد. آنها نقشی فراتر از منبع الهام نقاشان مشهور هلندی داشته‌اند. بدون آنها نیمی از کشور هلند وجود نخواهد داشت.»

سرژ وان دواینه‌اون

نویسنده هلندی

KinderDijk-Elshout واقع در شمال غربی آبلاسروارد Alblasserwoord رفته ، با خوشحالی دریافتیم بویی شبیه تلمبه خانه های دوران کودکی ام دارد. بوی آب تازه،

سنگ‌های سرد، گازوییل و روغن موتور و ابزار گوناگون. قدم زدن در کارخانه اولین کاری بود که از روی کنجکاوی کردم. از ماشین‌های بزرگ شروع کردم و به کارگاه تعمیر رسیدم. با دیدن منظره خلیج از پنجره نفسم بند آمد. پیشرفت خشکی در دریا، بسترهای وسیع در امتداد دو کانال، بستر وسیع رودخانه لک (Lek)، نی‌های موج در دو ساحل بالایی، با نوزده آسیاب که با سرافرازی در برابر آسمان پوشیده از ابرهای سیاه در کنار یکدیگر قرار گرفته بودند. همان‌گونه که رویس بروییک Ruysbroeck رامبراند و یا سایر نقاشان معجزه‌گر آن را ترسیم کرده‌اند. تنها در دوردست، بنایی خاکستری و مجموعه آپارتمان‌های قدیمی شبیه به یک کشتی تفریحی زمان حال را به خاطر می‌آورد.

آب، همواره آبلاسروارد را که در نزدیکی دریا در دهانه رودخانه‌های متلاطم متعددی قرار دارد، تهدید می‌کند

در دوران کودکی آسیاب‌های بادی را چون هلیکوپترهایی تصور می‌کردم که بر فراز چشم‌انداز تخیل من پرواز می‌کردند. اشکال شگفت‌انگیزشان به نظرم هم کهنه و هم نو می‌آمدند. ماشین‌هایی عجیب و جاودانی که همراه با عناصر سه‌گانه آب، خاک و باد حرکت می‌کردند. پدرم مهندس برق بود و در برابانت شمالی کار می‌کرد، گاهی مرا به سواحل دریا، مناطقی که در اثر پایین رفتن سطح آب دریا خشک شده بود می‌برد. آسیابانی گوزبشت آنجا زیان آسیاب‌های بادی را به من یاد می‌داد. او می‌گفت آسیابی با پره‌های از نفس افتاده روی سرش راه می‌رود. به هنگام توفان، ساق‌هایش برهنه است. آسیاب‌ها ممکن است شاد یا غمگین باشند، می‌توانند در تنهایی و انزوای به‌جا مانده از دریا و یا در کناره‌های یک بوزم (Boezem: بستر ساحل کنار رودخانه که بالاتر از سطح آب است) به حیات خود ادامه دهند. هر بازدید برای من اکتشافی ماجراجویانه به جهانی غیرواقعی، جهانی ساخته شده از آب راکد سیاه، پوشیده از کف سفید، آب انبارهای کهنه، وزش باد و بوهای تند بود. وقتی به کیندر دایک السوت



وقتی زمستان می‌شود، اسکیت‌ها از انبارها بیرون می‌آیند و جشنی روی یخ‌ها در کیندر دایک برگزار می‌شود.

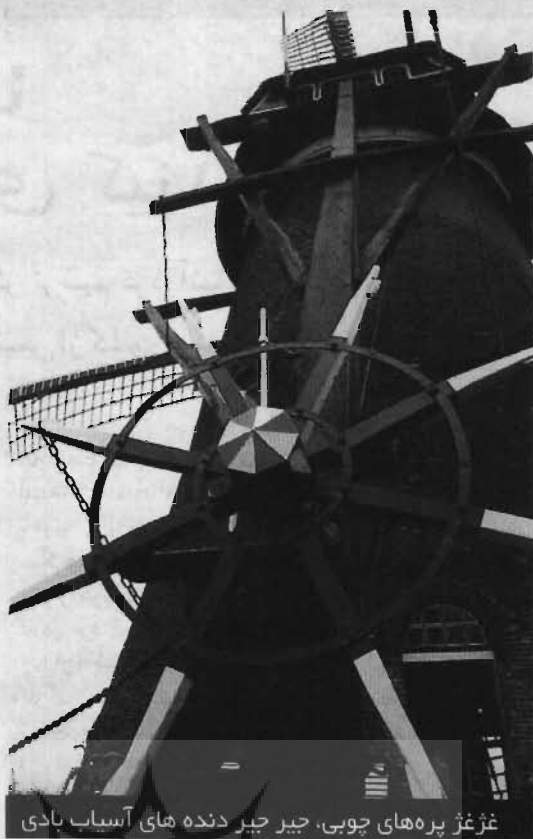
۱۲۷۷ کنت فلوریس پنجم برای اداره و نگاهداری بندها اداره آب و بندهای منطقه را تأسیس کرد. هر چند این تلاش‌ها کافی نبودند و سیل بزرگ سال ۱۷۲۶ ضرورت ایجاد آسیاب‌هایی را برای زهکشی آشکار ساخت.

نخست در سال ۱۷۳۸ هشت آسیاب سنگی مدور در ندروارد و دو سال بعد همین تعداد آسیاب چوبی به شکل هشت ضلعی و با سقف‌های کاهگلی به موازات ردیف اول در اووروارد ایجاد شد. به مرور زمان این مجموعه با ساخت آسیاب‌های جدید دارای بندهای دریچه‌دار و تلمبه‌خانه‌ها گسترش یافت. این روش آبیاری هیدرولیک ابتکاری به مرور شهرت یافت و آن را زهکشی مرحله به مرحله نامیدند. نخست آب آسیاب‌ها به حوضه‌های پایین‌تر و از آنجا به مخازن مرتفع هدایت می‌شد و در نهایت آب اضافی با عبور از نیم دوجین آب بند به رودخانه می‌ریخت.

امروز آسیاب‌ها در شرایطی نگاهداری می‌شوند که در صورت از کار افتادن تجهیزات مدرن استفاده از آنها امکان‌پذیر باشد. همه مسکونی هستند، وجود تاب در حیاط، باغ سبزیجات، قایق ماهیگیری که در میان نی‌ها لنگر انداخته، همگی نشان از جریان زندگی دارد. تنها یک آسیاب در ایام تابستان برای بازدید عموم باز است. در داخل آن نه تنها چرخ‌دنده‌های عظیم، بلکه زندگی دشوار آسیابان و خانواده او را می‌توان مشاهده کرد.

در داخل آسیاب احساس می‌کنید در قایقی در وسط دریا قرار دارید. با هر چرخش و غرغره دنده‌ها، جیرجیر چوب‌ها را می‌توانید بشنوید. در ورودی آسیاب، موش آبی مرده‌ای درون قفس از سقف آویزان است. در اوایل قرن گذشته موش آبی را برای پوستش از آمریکا و جمهوری چک کنونی وارد می‌کردند. دیری نپایید که این موش‌ها برای ساکنان بلایی واقعی شدند. موش‌ها با کندن و خراشیدن خسارات فراوانی به بندها وارد ساختند. امروز نیز موش‌ها را به تعداد زیاد شکار می‌کنند، در سس خاصی می‌پزند و به نام بسیار اشتهاآور «خرگوش‌های آبی» می‌خورند.

هنک برونکهورست که برای انجمن بندها کار می‌کند، می‌گوید «به هیچ وجه حاضر به زندگی در این آسیاب‌ها



غرغره‌های چوبی، جیر جیر دنده‌های آسیاب بادی

و حداقل سی‌بار در معرض سیل قرار گرفته است. آخرین موج مرگبار در سال ۱۹۵۳ اتفاق افتاد و ۱۸۰۰ نفر قربانی گرفت. تأسف‌بارترین و مشهورترین سیل در شب‌های هجدهم و نوزدهم نوامبر ۱۹۲۱ روی داد. در اثر این طغیان شصت دهکده در آب فرو رفت. روایت می‌کنند که گربه‌های گهواره کودکی را در میان امواج متلاطم حفظ کرده بود. خاکریزی که گهواره در آن به گل نشست، کیندر دایک (Dijk) دایک خاکریز و دیواری است که برای جلوگیری از نفوذ آب می‌سازند) یعنی خاکریز یا چینة کودک نامیده شد.

در نبود ابزار مدرن، آماده خدمت است.

تاریخ هلند تا حد زیادی مدیون آسیاب‌های بادی است. هلند غربی بدون وجود خاکریزها و دیواره‌ها وجود خارجی نداشت، اما این آسیاب‌های بادی بودند که خاکریزها را قابل سکونت ساختند. بدون وجود آنها نمی‌توانستیم از هلند کنونی نمی‌توانست وجود داشته باشد و هلندی‌ها ممکن بود در نهایت به خاطر جدال بی‌فایده با آب مجبور به ترک سرزمین خود شوند.

رنه دکارت فیلسوف فرانسوی می‌گوید، خدا زمین را آفریده است، اما هلندی‌ها، هلند را ساخته‌اند. گرچه دکارت یا هلند کشوری که مدت‌ها در آن زندگی کرده بود به خوبی آشنایی داشت اما حرف او کاملاً درست نبود، زیرا بیش از پانصد سال پیش، مردم زیادی در مکان‌هایی که در اثر عقب‌نشینی دریا پدیدار شده بودند، سکونت داشتند. در نتیجه فعالیت‌های ساختمانی برای تأسیس راه آهن جدید، بقایای یک کرجی و اسکلت‌زنی در بتولین (Betuwlijn) کشف شد.

اولین کانال‌های طولانی زهکشی آلبلاسروارد در قرن یازدهم ساخته شد. صد سال بعد بندی که تمامی حوضه و بستر دو رودخانه آلبلاس و گین، جاری در امتداد آلبلاسروارد را می‌پوشاند گسترش یافت و به این ترتیب دو منطقه ندروارد (Nederwaard) (منطقه سفلی) و اووروارد (Overwaard) (منطقه علیا) به‌وجود آمدند. در

سرژ وان دواینهون

نویسنده، مورخ و هنرمندی تمام عیار است، در ۱۹۷۰ در اوس (هلند) متولد شد. او در بروکسل زندگی و کار می‌کند. در این شهر گروه DeSpooksprekers را با دافی (هنرمند رپ) و اولاف زوییتز (نوازنده ساکسیفون و شاعر تشکیل داد.

او با همکاری یک گروه تئاتری مجله هزاره را منتشر می‌کند. از جمله آثار او می‌توان به آلبیت در اوربیت، سی دی اشعار و موسیقی (Bezig Bij / Djax Records, ۱۹۹۸) مجموعه آثار و رمان‌ها اشاره کرد.

سامانه‌های بديع

شبکه آسیاب‌های کیندر دایک السوت در ۱۹۹۷ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. این شبکه نمایانگر نبوغ و شهامت هلندی هاست که برای کشاورزی در سیاه آب‌های وسیع هلند این سامانه آبیاری را خلق کرده‌اند.

تا سال ۱۹۵۰ یعنی پیش از تعطیلی آسیاب‌های این شبکه که در حاشیه شمال غربی آلبلا سروارد واقع شده است، به تخلیه آب‌های مناطق اووروارد (علیا) و ندروارد (سفلی) کمک می‌کرد. نوزده آسیاب به جا مانده همچنان مورد استفاده‌اند. این محوطه و زمین‌های پایین و بالای آن به نظام‌های طبیعی تخلیه آب مجهزند. رودخانه‌ها، شهرها، آسیاب‌ها و ایستگاه‌های تخلیه و مجاری فاضلاب از قرن هجدهم تاکنون دست نخورده باقی مانده‌اند.

این چشم انداز هلندی امروز به عنوان جایگاه فرهنگی و ذخیره‌گاه طبیعی تحت حمایت رسمی است. ■

نیستم. بسیار نامناسب، مرطوب و کوچک هستند، اما با شوق فراوان از آسیاب‌ها سخن می‌گویند و از ثبت آنها در فهرست میراث جهانی یونسکو خرسند است و می‌گویند این اقدام در حفظ و نگاهداری آسیاب‌ها مؤثر خواهد بود.

عیش و نوش و شعر برای بازدیدکنندگان آسیاب‌ها

البته، آسیاب‌های بادی هلند سرنوشت دردناکی داشته‌اند. در ۱۸۶۰ ده‌هزار آسیاب بادی وجود داشت و اکنون تنها نهصد آسیاب باقی مانده است، گرچه حفظ همین تعداد آسیاب بادی نیز معجزه محسوب می‌شود. در ۱۹۵۰ سازمان بندها درصدد برآمد تا تمامی آسیاب‌های بادی بلااستفاده را تخریب کند و موتورهای برقی قوی که می‌توانستند آب را سریع‌تر تخلیه کنند جایگزین آنها سازد، چون آسیاب‌ها بی‌مصرف و نگاهداری آنها پرهزینه به نظر می‌رسید. اما شهرت جهانی آسیاب‌ها، آینده آنها را تضمین کرد. برونگهورست معتقد است که در شرایط کنونی جمع‌آوری منابع مالی برای احیا و مرمت آسیاب‌ها راحت است. او اضافه می‌کند که «طی سال‌ها در سنگ آسیاب‌های مدور منفذهای زیادی ایجاد شده و پنجمین آسیاب در حال فرو ریختن است. ما به این کمک‌ها واقعا نیاز داریم».

اداره محوطه آسیاب‌ها کار آسانی نیست. اجتماعات محلی، کشاورزان، کشیشان کالونیست، تجار و مقامات در مورد هزینه نگاهداری، ساختن جاده‌های دسترسی، پارکینگ‌ها و طرح‌های مرمت مرتب با یکدیگر بحث دارند. ثبت آسیاب‌ها در فهرست میراث جهانی منجر به تأسیس سازمان حفظ و نگاهداری آسیاب‌ها در منطقه شده است. در مدخل کیندردایک و در غرب آب‌بندها، انجمن محلی قرار دارد، محلی که در مواقع اضطراری مقامات برای ارزیابی خطرات و تصمیم‌گیری در مورد اقدامات لازم گرد هم جمع می‌شوند.

در جلسات مهم ناهار را در اتاقی مزین به نقاشی‌های استادان قرن هفدهم میلادی صرف می‌کنند. مقامات بازرسی اووروارد عادت داشتند با دادن نوشیدنی در جام‌هایی که می‌توانست تا یک لیتر مایع را در خود جای دهد به اعضای عالی رتبه جدید خوشامد گویند. از هر عضو جدید خواسته می‌شد قبل از نوشتن شعری در دفتر انجمن محلی، جام را یکجا سرکشد. در یکی از اشعار چنین آمده است: «جام با این عبارت به من داده شد: بنوش رفیق، زیرا تو خطر را پذیرفته‌ای، ما در اینجا آب را پس می‌زنیم و نه نوشیدنی دیگری را». بازرسان برای مبارزه با آب از هر وسیله‌ای، حتی از موش‌ها استفاده می‌کردند. دسترسی به آسیاب‌های بادی اووروارد از طریق انجمن محلی آسان است. هر قدر به بند مرکزی نزدیک‌تر شوید به گذشته‌های دورتری برمی‌گردید. ماشین‌ها جای خود را به گاوها و گوسفندهای در حال چرا می‌دهند. تنها صدایی که به گوش می‌رسد آواز پرندگان دریایی، نظیر بوتیمار، حواصیل ارغوانی، پرستوی دریایی و بانگ خروس‌ها و نوای نی‌های موج در باد است.

بوی عطر سیب‌های رسیده پای درختان به مشام می‌رسد. در مقابل پنج چتر به رنگ سبز خزه‌ای که با شکیبایی و صبوری چند ماهیگیر پیر را پناه داده‌اند ساکت می‌مانم. پروانه‌ها یا بال‌های آسیاب‌ها به سرعت می‌چرخند و با تندبادها مبارزه می‌کنند، تندبادهایی که تا ۷۰، به مقیاس بوفورت سرعت دارند.

اما آسیاب‌ها چه چیزی را خالی و چه چیزی را جا به جا می‌کنند؟

چشم‌انداز آسیاب‌های بادی کیندردایک نمادی از آسیاب‌های هلندی در معرض نابودی است. اما برای هلندی‌ها، نمادی از مبارزه همیشگی و بی‌پایان برای حفظ زمین و خشکی است. هنک برنگهورست می‌گوید: «زمین همچنان در آب فرو می‌رود و سطح آب طی چند دهه گذشته بالا آمده است. مجبور هستیم مخازن و آب‌انبارهای جدید - نوعی کیف - در کناره‌های بالایی درست کنیم تا بتواند آب بیشتری را جمع کند و همین‌طور برای بندها نیز باید پمپ اضافی تعبیه شود».

سلاح‌هایی برای عقب‌راندن پیشروی بی‌پایان دریا

دون کیشوت سرار بر اسب کوچک خود روسینانت (Rocinant) تلاش کرد به آسیاب‌ها حمله کند. هلندی‌ها با استفاده از آسیاب‌ها به عنوان تنها سلاحی که در اختیار داشتند برای جلوگیری از پیشرفت بی‌پایان آب تلاش کرده‌اند. طبق پیش‌بینی‌های هواشناسی ظرف چند سال آینده در اثر گرم شدن کره زمین، هلندی باقی نخواهد ماند. آب آنچه را که مردم از او گرفته‌اند، پس خواهد گرفت. تاریخ نشان خواهد داد که آیا آنها می‌توانند به اندازه لرد لامانشا یا دون کیشوت بی‌باک باشند؟ آسیاب‌های بادی کیندردایک چه چیزی را خالی می‌کنند؟ آنها زمان را آبیاری می‌کنند. ■

**مزارع و کلبه‌ها
در زمین لم یزرع
ساکت و دل‌تنگ
در کنار هم قرار
گرفته‌اند تنها
آسیاب‌های بادی
زنده‌اند، که با
پره‌های قوی خود
با نیروی باد و باران
مبارزه می‌کنند.**

هنری پولاک، نویسنده و

سیاستمدار هلندی،

(۱۹۴۳ - ۱۸۶۸)



بودن در آسیابی بادی بی‌شبهت به قایق سواری در دریایی متلاطم نیست.